

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Satire

طنز

سید موسی عثمان هستی

۲۸ جون ۲۰۱۱

"حمامچی را آب گنده به کار است"

یک مقدمه دست و پا شگسته بایک طنز

ماما بیغون در تورنوز زندگی می کند نمی دانم که با کاکا تیغون که در جرمنی زندگی می کند شناخت و روابط دارد یا نه؛ به هر صورت به کار خصوصی و شخصی کسی کار ندارم و پرسان هم نمی کنم ولی وزن نام هایشان به هم نزدیک است. در طنز نویسی و شوخی هم از یک دیگر کم نیستند و زمانی هر دوی شان استاد پولیتخنیک کابل بودند و هم عضو "حزب دموکراتیک خلق".

ماما بیغون به من تیلفون زده گفت:

چندوقت شده که از شما خبری نیست. مثلیکه شش های طنز توسرطانی شده. گفتم: نی ماما، من مصروف نوشته لوده های سیاسی تورنتو هستم و هم چیزی به پورتال وزین "افغانستان آزاد-آزاد افغانستان" نوشته می کنم. آن بی انصاف ها به نام ویراستاری تنبان نوشته های نویسنده و شاعر را می کشند و از نویسنده بیسوادی مثل من و یا کمسوادی مانند دیگران نابغه می سازند. گفت:

مگر محتویات نوشته را دست می زنند. گفتم:

نخیر از نگاه نویسندگی و ویراستاری به بهانه این که نادرست چیزی را ما به نشر نمی رسانیم سطرهای نوشته نویسنده و شاعران را با قلم مانند صورت عروس آرایش می دهند گفت:

طنز را دست نمی زنند چون زیبایی طنز در ساده نویسی آن است گفتم چرا طنز را هم ازنگا ادبی دست می زنند املاء و انشاء را درست می کنند. گفت:

با این سخت گیری ها نویسنده ها و شاعران فرار نمی کنند. گفتم:

چرا نه! همین نویسندگانی که یک سروگردن خود را از دیگران بالا می گیرند جرائت نوشتن به پورتال "افغانستان آزاد- آزاد افغانستان" را ندارند. روزی من از یک شاعر و نویسنده که دکتر طب هم بود پرسیدم که چرا به پورتال "افغانستان آزاد" نوشته نمی کنید، خنده کرده گفت:

از ترس نوشته نمی کنم که گردانندگان "افغانستان آزاد" مواز خمیر جدا می کنند. جای دیگر که نوشته می فرستم ترس از این دارم که خدا کند روزی در برابر قلم نقد گردانندگان "افغانستان آزاد" روبه رو نشوم. تا نکند ما نویسندگانی که یکدیگر را گل آقا و شیر آقا گفتیم چلو صاف ما را از آب بیرون نماید.
ماما بیغون خنده کرده گفت:

تو حالا باسیستم کارشان عادت کرده ای و هم به حیث نویسنده ترا کسی نمی شناسد. بگذار که هر قسم دست کاری می کنند بکند نویسندگان و شاعران نامدار وطن ما که به خاطر گل آقا و شیر آقا شهرت پیدا کرده اند آنها حق دارند که از پورتال "افغانستان آزاد" بترسند تو از چی می ترسی؟ لطفاً یک چیزکی بگفته جلال نورانی بنویس که ما خنده کنیم و هم در آن حقایق دیده شود چون حرف من و مامابیغون سر شاعر، نویسنده، سایت و گردانندگان سایتها بود طنز زیر را به خاطر و خواهش ماما بیغون نوشتم:

طنز

مردی در سایه درخت مجنون بید نشسته بود. چوبکی به دست گرفته خط می کشید و می نوشت. رهگذری پرسید:
انجینر صاحب چه می کنید. گفت:

مصروف ساختن یک سایت هستم. رهگذر گفت:

چرا کارهای انجینری خود را پیش نمی برید؟ گفت:

من در اروپا زندگی می کنم به زبان های اورپائی آشنائی ندارم. رهگذر گفت:

شما مگر در فاکولته انجینری کابل تمام درس هارا به انگلیسی نخوانده بودید. گفت:

من او لفاکولتی انجینری را نخوانده ام هوا شناسی فاکولته ساینس را خوانده ام و آن زمان کلاه "سانکی" بود حالا دیگر شغل من بازار ندارد. من که نمک پرورده "حزب دموکراتیک خلق" بودم آن حزب هم تکه و پارچه شده رهبران حزب هم ضیق النفس پیدا کرده اند. بازار سیاست روبه روز مانند دکان نسوار عشقری جای شاعر و نویسنده شده داکتر، انجینر، دندان ساز، جاسوس و وطن فروش دست به نویسندگی زده و در پی یک سایت هستند. دنبال آن نمی گردند که سابقه و گذشته صاحب سایت چه بوده راستی یادم آمد.

غوث زلمی از ساریان خدا بیامرز پرسید:

ساریان صاحب شما هم به اثر لطف "حزب دموکراتیک خلق" به شوروی رفتید. ساریان گفت:

بلی برو برو بود من هم در برو برو برابر شدم و رفتم.

رهگذر خندید که شما هم در گذرگاه برو برو برابر شدید حالا سایت می سازید و می خواهید که حریفان بی تنبان دریادلی گک ما را بلبل قفس سایت خود سازید.

انجینر صاحب که روی زمین پلان ساختن سایت خود را می کشید خنده کرده گفت:

برادر نشنیدی که حمامچی را آب گنده به کار است؟

سایت نشریه بینام طنزی و انتقادی در تورنتو کانادا